

خنده با خبرنگاران خراسان

به مناسبت روز «خبرنگار» سراغ یک معرفی متفاوت و بامزه از خبرنگاران خراسان رفتیم برای شما که مخاطب مطالب ما هستید، شاید جالب باشد از زاویه ای متفاوت با خود ما آشنا شوید

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳

۲۱ محرم ۱۴۴۵ ۸ آگوست ۲۰۲۴

شماره ۲۱۲۷۸

۲۴۹۸



سید سورتا ساداتی | روزنامه نگار

پرونده

امروز روز

خبرنگار

و این جا

خراسانه. شما شاید سال ها

مطالب خراسانی ها رو

خونده باشین، اما خودتون

رو چندان خوب نشناسین.

برای همین ما دست به کار

شدیم تا چپه های خراسان رو

به شما معرفی کنیم. البته به

شکلی متفاوت و با شوخی،

تا شما بدونین کسانی که

ز حمت مطالب رو براتون

می کنشن چه جور یا هستن.

آماده اید؟ فکر هاتون رو

کردین؟ مطمئنین بعدش

نظر تون نسبت به ما عوض

نمی شه؟ پس برو که رفتیم.

بهر روز بیهقی خواننده محبوب نسل جوان

یکی از معاونین سردبیر روزنامه و البته خوش صداترین روزنامه نگار که ما دیدیم، به طور میانگین ۳۸ ثانیه بعد از دریافت پیامک واریز حقوق، توی یکی از کتابفروشی های شهر برای خرید کتاب کارت کشیده. هنوز فیلم ها رو به جای نسخه آنلاین یا هارد، به شکل کاملاً سنتی با DVD می بیند و چنان تخصصی تو تعارف داره که تو مسابقات جهانی تعارف، کاپیتان تیم ملی ایران بوده و تونسته بهترین بازیکن جام هم بشه.

سعید برند سلطان غافلگیری

سردبیر «خراسان آنلاین» که چند برابر کل وزارت کار همه روسر کار می داره، با این که همه می دونن احتمال داره سر کار برن باز تو تله می افتن. پیش بینی می شه اگه با همین فرومون به سر کار گذاشتن بقیه ادامه بده تا سال ۲۰۲۵ یونسکو به عنوان یکی از میراث های فرهنگی بشریت ثبت جهانیش کنه. در عین شوخی، تو کار جدی و دقیقه. صدای خوبه و می تونست گوینده رادیو باشه.

مهدی حسن زاده تهدید علیه بهداشت جهانی

معاون سردبیر «خراسان رضوی»، بمب خنده کهکشان راه شیری و عامل پاره شدن روده انسان های بی شمار در پی شوخی های بی نهایت جذاب و جدید، اون قدر شوخی هاش روده بر کننده است که سازمان بهداشت جهانی اون رو به عنوان تهدیدی علیه سلامت جامعه معرفی کرد. سلطان بلا منازع چسبوندن بین تعطیلین به هم، جوری که یک بار و سید عید گفت چه کاره وقتی عید سال دیگه تعطیلیم و الانم تعطیلیم از فروردین تا اسفند پیام سر کار؟ کمی تا قسمتی فراموشکار هم هست. یه بار که سوتی نداد از ش پرسیدن چرا؟ گفت: «حسن زاده همیشگی نبودم».

سید مصطفی صابری از دور قشنگه

ادعای خوش تیپی داره و مشخص نیست به براد پیت شبیه تره یا جرج کلونی؟ البته از حدود ۴۸ متری شبیه براد پیت، اما از ۱۷۰ متری که اندازه مورچه هم نیست، شبیه جرج کلونی. خلاصه بعضی چیزها از دور قشنگه، مثل تیپ و اخلاق ایشون. هوا که گرم می شه به همه رفقا ش پیام می دهومی که پیشاپیش بابت اخلاقم از اواسط خرداد تا اوایل شهریور که هوا گرمه عذرخواهم. همیشه به «حالا چی بخوریم» خاصی هم تو نگاهش هست. راستی نماینده رسمی گینس توره تا رها تارکورد ایشون رو برای بیشترین حضور در کافه هائیت کنه. می گن یه هفته که پاش شکسته بود در آمد کافه ها ۳۰ درصد داشت.

جواد نوائیان بیابرات خاطره بگم

جواد، مسئول صفحه تاریخی و کافیه شماییه چیز معمولی و خیلی بی ربطی به تاریخ بگی، به طور مثال کانگورو! بدون این که فرصت قرار بهت بده در جامی که: «اینو گفتم، می دونستی بعد مشروطه یک فردی کامبیز السلطنه در ازای فروش انحصار بازار گیوه، از استرالیا کانگورو وارد کردو...» بعد اون قدر جذاب و باهیجان و با فکت های پیاپی تاریخی اینارو تعریف می کنه که شما به خودتون میاین و می بینین کلیه تون درد گرفته، گرسنه هستین و همه کار هاتون هم مونده.

علیرضا کاردار مگه مسی ظرف نیست؟

علیرضا کاردار طنز نویسه و مسئول صفحه سرگرمی، ریش پروفسوری می داره و جوراب های فانتزی و طرح دار پاش می کنه که تناسبی با سن و سالش نداره. هروقت هم بچه ها دور همی به چیزی می خرن می گه از گلوبالین جیهانش کنه. در عین شوخی، تو کار جدی و جالب ترین ویژگیش اینه که فرق کریس رونالدو و مسی رونمی دونه. یک بار که بحث این دوتا بود گفت کریس رو که نمی دونم، اما ما یه قابلمه مسی داریم و خیلی از ش راضی هستیم.

حامد رحیم پور شعبه دوم مونالیزا

حامد رحیم پور دبیر سرویس سیاسی و بین الملل روزنامه است. تو آخرین رده بندی زیباترین لیخندهای دنیا بعد از ژو کوند، رتبه دوم رو کسب کرد؛ با این تفاوت که مونالیزا یک بار خندید، اما نمی همیشه لیخنه به لب داره؛ برای همین نامی فهمیم خوشحاله؟ ناراحت؟ شکیه؟ گرسنه است؟ اگه یه روز سید جواد هاشمی دیگه نتونست تو فیلم های دفاع مقدس نقش حاجی رو بازی کنه، حامد می تونه کنترت نقش های مثبت رو برداره. گریم زیادی هم لازم نداره.

محمد بیهودی سکوت ساترین شعر است

محمد بیهودی دبیر صفحه ادب و هنره و اهل شعر. خیلی شعر می گه، اما با سکوتش چون شعارش اینه که «سکوت بهترین شعره». البته اگه یهو سفره دلش رو برای یکی باز کنه با سیمینوف متوقف می شه. یک ریلکسی خاصی هم داره. می گن یک بار بهش گفتن بدو بیاد دعا شده. گفت نه دعا کار بدیه. دوست باشین با هم. خلاصه اون قدر خونسرده که می تونه مدیر عامل یک شرکت خودروسازی داخلی باشه.

رضا تو کلی یه کار واجب!

خبرنگار گروه سیاسی که بیشتر اوقات یه کار واجب داره و باید بره. اصلاً خود کار واجب هنوز نیت نکرده پیش

بیاد، رضامرخصی گرفته و رفته. بهش میاد از اونا بوده که زمان مدرسه و دانشگاه، در توجیه درس نخوندن چند باری فوت مادر بزرگ مادر بزرگش رو بهونه کرده موفق هم ظاهر شده. یک تکنیک خاص دیگه هم برای مرخصی گرفتن داره که تو سازمان اختراعات و ابتکارات به نام خودش ثبت شده و دنبال یک سرمایه گذار خوبه که بده بیرون.

نبی شریفی مردی از سیسیل

در جولای ۱۹۹۳ در خانواده ای معمولی در سیسیل چشم به جهان گشود. زندگی در بین مافیای این جزیره همچین تو پوست و گوشتش رخنه کرد که یک روز پاشنه کفشش رو کشید بالا و گفت: «هر جور هست باید مافیا بشم!» اما همیشه کارت شهروندی بهش می افتاده؛ تو این شرایط باز هم سعی می کرد به نفع مافیا بازی کنه. اون قدر تو بازی مافیا تابلو شد که ناچار شد تغییر قیافه بده و مو بکاره تا تو شب بهش شلیک نکنن. شعارش تونزدگی اینه: تا وقتی می شه پیچید چرانی پیچوند؟

علی ترابی طلا تو مشتش بود

دبیر صفحه ورزش ضمیمه «خراسان رضوی» و همفن حریف از خطه کشتی پرور شمال. اگه مصدوم نمی شد تو کشتی می تونست چهره موفقی باشه، اما چون مطمئن بود حتماً مصدوم می شه و بعدش غصه می خوره، نه رفت سراغ کشتی و فوتبالیست شد؛ اما اون جا واقعاً مصدوم شد. بعد گفت برمی گردم کشتی، اما یهو خورد به حسن یزدانی و گفت چه کاره، داشتیم تون ماست مون رو می خوردیم. این شد که گفت بیزینس از زده تو کار تجارت مرام و معرفت.

بهاره موفقی اختلاص کنیم از ش!

خبرنگار اجتماعی ضمیمه «خراسان رضوی» که بهش میاد مجری بر نامه خانواده باشه؛ اون قدر که مبادی آداب. با این اوصاف اگه دنبال کسی هستین که از ش قرض بگیرین و بهش پس ندین گزیننه خوبیه؛ چون بعدش به بروی طرف بیاره که پول رو بده. خیلی هم پرکاره، جوری که گاهی بقیه شاکی می شن و بهش می گن: «دو دقیقه استراحت کن تا ریلکس کردن ما به چشم نیاد».

اکرم انتصاری سخت خند

از بچه های زندگی سلام، البته دیگه بچه نیست! سخت کوش و سخت خند، یعنی کسی تا حالا خنده اش رو ندیده. البته می گن که یه بار سر به موضوعی به نیمچه لیخنه زده که بعداً معلوم شده پوز خند بوده. شاید دلپیش اینه که چیز خنده داری نیست. شاید هم به این خاطره

ناصر بزرگوار یار گیری من تو من!

مسئول امور اجرایی، هر چی درباره توانایی مدافعینی مثل سر خوراموس در یار گیری من تو من با حریف شنیدین بذارین کنار. چون ناصر بزرگوار اگه مسئول پیگیری چیزی از کسی بشه جوری باهاش یار گیری می کنه که طرف راه فرار نداره. اما در عوض اگه پیگیر چیزی از خودش باشین نتیجه نداره، چون سوال رو با سوال جواب می ده. شما از ش می پرسین فلان موضوع چی شد؟ مثل یه بنده خدایی با لیخنه ی لچ در آ جواب می ده: «حالا من از شما می پرسم، فلان قضیه چی شد؟»

علی نطافت آچار فرانسه شمالی خراسانی

خودش رو بیشتر شمالی می دونه تا مشهدی، ولی به هر حال الان تو خراسانه. پسر سربزه رویی حاشیه که آچار فرانسه گروه رضوی حساب می شه. از اونا ست که هر کاری رو بهش بگن یا حتی نگن تا انجام نده، ول کن نیست. اصلاً سرش درد می کنه برای کار کردن. مورد داشتیم تلفن یه مخاطب رو اشتباهی به تلفنش وصل کردن، بعد چنان افتاده دنبال کار اون مخاطب که خود مخاطب می گفته باور کن راضی به زحمت نیستیم، بی خیال!

مجید حسین زاده لیدر جدید استقلال

دبیر صفحه مشاوره و پرورنده «زندگی سلام»، حتی تابستون امسال که خورشید توش اضافه کاری برداشته بود هم باعث نشد پخته بشه و بلند عطسه نکنه. با هر عطسه اش سازمان لرزه نگاری کشور یک زلزله خفیف به مرکز بولوار سازمان آب مشهد ثبت می کنه. اگه روزنامه نگار نمی شد توانایی این رو داشت که لیدر باشگاه پرسپولیس بشه، اما با ۵۰ میلیون هم حاضر نبود عشقش به پرسپولیس رو بفروشه و لیدر استقلال بشه؛ چون با ۴۵۰ هم اوکی بود. چک تون به روزه؟

وحید تفریحی فقط عطر ۵ تومنه داداش!

دبیر سرویس اجتماعی «خراسان رضوی»، هر چی بقیه پول غذا می دن، پول عطر گرون می ده. اگه از ش بپرسی تیترت چرا این جوری شد، می گه: «فقط عطری که می زنم ۵ تومنه». زمان کرونا از همه بیشتر حساس بود و مراقبت می کرد برای همین از همه بیشتر مبتلا شد. می گن ویروس کووید بهش گفت او مدم مبتلات کنم. گفته: من به بوی خوش اقای مبتلا هستم، به عطر قهوه در کنج کافه ای خلوت، به روز های بارانی، به عطر چای مادر بزرگ... اما همون اول

که دهانش رو باز می کنه کووید می ره داخل و مبتلاش می کنه.

میثم دهقانی شکارچی اون لحظات

تنها عکاس روزنامه که با خستگی بیگانه است، عاشق نسکافه و گرمی جاته و با شعار «میثم دور بین طلا» در ورزشگاه ها صدای من زن! یکی ویژگی جذابش اینه که از همه لحظات زندگی همه همکار هاش عکس داره، از لحظه غذا خوردن، چرت نیمروزی، صحبت در جلسه مهم، در مسیر سرویس بهداشتی، مصاحبه و... البته هر وقت یکی از این عکس های زیر خاکی رو براتون فرستاد، منتظر باشین سر میز تون حاضر بشه و بگه: «نسکافه با شکلات نداری؟» از صبح آفیش بودم، قدم افتاده!

سارا عباس نژاد هدفون قشنگ

بسیار آنلاین شونده، چون تو خراسان آنلاینه. جوری پشت میز می شینه که انگار همین الان از میانه گزارش میدانی از میدان جنگ جهانی برگشته و نیاز داره هدفونش رو بزنه و یک هفته استراحت کنه. از حق نباید گذشت که هدفون قشنگی داره و تقریباً همه تحریریه توخ هدفونش هستن. جوری می زنه به دل سوژه که سوژه چار شاخ می مونه. یه بار فته بوده گزارش میدانی برای اعتیاد، چنان تو نقشش فرو می ره و برای تهیه گزارش مواد می خره که ساقی با ۲۰ سال سابقه باورش نمی شدر کب خورده.

مریم رستگار مافوق دقیق

هر کی ایشون رو ببینه باورش نمی شه مادر سه تا شاخ شمشاده. البته بز نیم به تخته، چون تازگی هم خونه شون رو دزد زده، باز نگن ما چشم شون زدیم. به شدت دقیق، طوری که اگه یه گزارش انجام بده، شاید یک ماه طول بکشه تا تحویل بده، چون می می گه نه خوب نشد، صبر کنین این جاش رو درست کنم. ایشون هم طوری آنلاینه که یه سرور جدای اینترنت بر اش خریدن، چون سرور اینترنت اصلی روزنامه دیگه کفافش رو نمی ده.

صادق غفور یان مثل زیل خان

معلوم نیست خبرنگاریه که فیلم هم می سازه، یا مستندسازیه که گزارش هم می نویسه، یا روزنامه نگاریه که بسکتبال هم دوست داره، یا... خلاصه روند کاریش مثل زیل خانه که می گفتن این جا، اون جا، همه جا. با رفقا ش هم بر خورد متنوعی داره. یه روز از راه می رسه و باها ت دست می ده و روبروسی می کنه. یه روز می ری سرت رومی کنی تو مانیتورش و تو چشمش نگاه می کنی تا جواب سلامت رو بده! البته خودش می گه وقتی دارم چیزی می نویسم

حواسم پرت، ولی ما که می دونیم فکر و ذکرش دنبال اون جشنواره تو سانتاگو بیلباؤست که هنوز جایزه شو نرستان!

مصطفی قاسمیان الکسای نمایشی

خبرنگار عاشق. البته سوء تفاهم نشه، ایشون از دواج کرده و ماشالا دوتا هم دسته گل داره. منظور اینه که عاشق کار شه. جوری می ره تو بحر نوشتن که با صدلش یکی می شه. جدی! هروقت کسی کارش داشته باشه باید بر زهر میزش دنبالش بگرده، چون تقریباً روی صدلش دراز می کشه. البته که آخر فیلم باز ها هم هست. کافیه از ش پرسی فلان فیلم شونه تخم مرغی که ۱۲۰ سال پیش اکران شد، چقدر فروخت؟ جوری نمودارش رو رر سم می کنه که خود تهیه کننده از گور در میاد و می گه ایول. برای همین بهش «الکسا» هم می کن، ازیس برای هر چیزی به مشت آمار و ارقام در میاره.

ابوالفضل حکم آبادی معتاده به کار

به نمایندگی از همه همکارانی که در بخش های تایپ و تصحیح کنار ما هستند، معرفی می کنیم. توانایی «نه» گفتن نداره، هر کاری بهش بگن انجام می ده. یک معتاد واقعی به کار زیاد و فداکاری. نگاهش به زندگی اینه که خلاف ارزش اشک مادر و ندان و دوری از محبوب رو نداره؛ اما این محبوب که می گه چیزی نیست جز کار و کار...

احمد حریمی هرگز نرسیدن بهتر از هرگز نرسیدن!

مسئول بخش صفحه آرایی که در سخت ترین شرایط با بیشترین طمأنینه ممکن کار رو انجام می ده. یک بار بهش خبر دادیم اگه این خبر تا ۱۰ دقیقه دیگه صفحه آرایی نشه مکزیک به گواتمالا حمله می کنه! لیخنه زد و گفت: «باشه، یه ساعت دیگه تومنه!» اما دو ساعت بعد وقتی ارتش مکزیک بیخ گواتمالا بود، صفحه رو رسوند. برای کارهای تصویرسازی که انصافاً قشنگه هنوز از این مداد سوسماری ها استفاده می کنه و برای همین کارش اصالت داره و شعارش تونزدگی اینه که طرف مقابل هر چی دستپاچه تر باشه باید خونسردتر باشم تا تعادل به کار برگرده!

و باتشکر همیشگی از همه بخش های موسسه خراسان، از چاپ و توزیع تا پرسنلی و مالی و... در نهایت خیلی از رفقای تحریریه که ذکر خیرشان در این پرورنده نشد، اما با تلاشی وافر همیشه کنار ما هستند: خلیل سجادی پور، مائده کاشیان، حسین بردبار، مسعود حمیدی، محمد حقگو، برویج تصحیح، صفحه آرایی، سایت و خدمات و در نهایت سردبیر و مدیرمسئول گرامی.